

معاذت قضایی دولت‌ها با دیوان کیفری بین‌المللی با تاکید بر کشور افغانستان

محمدعلی سروری*

چکیده

تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی تحول بزرگی در حقوق بین‌الملل ایجاد کرد؛ زیرا، مرتکبان جرایم و جنایات بین‌المللی، فقط تابعیت دولت واحد را نداشته و در جغرافیای واحد مرتکب جرم نمی‌شوند. آن‌ها از «سهولت و سرعت» حمل و نقل جهانی استفاده کرده به سرعت تغییر مکان می‌دهند تا مورد تعقیب و پیگرد قرار نگیرند.

گام نخست جهت به محاکمه کشاندن جنایت‌کاران بین‌المللی و ناقضان فاحش حقوق بشر، تعهد همه‌ای کشورها به معاذت قضایی با دیوان است. چون ماهیت اساسنامه دیوان قرار دادی است، در تمامی موضوعاتی که نیازمند همکاری و معاذت است، بین کشورهای عضو و غیرعضو دیوان تمایز و تفاوت قایل شده است: کشورهای عضو الزاما موظف به همکاری‌اند در حالی که کشورهای غیر عضو، فاقد تعهد اولیه می‌باشند و ملزم به همکاری نیستند مگر در موارد خاصی مثل این که شورای امنیت ملل متحد از جامعه جهانی خواسته باشد که با دیوان همکاری قضایی نمایند. کشور افغانستان در تاریخ ۳۱ مارچ ۲۰۰۳ رسماً به دادگاه جزایی بین‌المللی پیوست و متعهد به همکاری با دیوان شد که در همین راستا تا هنوز چندین مورد جنایات جنگی در افغانستان از سوی دادستان دیوان اعلام شده و در حال بررسی است. در این تحقیق، معاذت قضایی کشورها با دیوان با تاکید بر کشور افغانستان به بحث گرفته شده است.

واژه‌کان کلیدی: اساس‌نامه، دادگاه بین‌المللی، همکاری، دول و معاذت قضایی.

مقدمه

جنگ افروزان و متجاوزان به حقوق بشر در گذشته جنایاتی بزرگی مرتکب شده‌اند اما به دلیل فقدان یک محکمه کیفری بین‌المللی و در پناه حصار «حاکمیت ملی»، مصون از کیفر و مجازات بوده‌اند. حاکمیت ملی کشورها و حساسیت دولت‌ها به آن باعث شده بود جنایت‌کاران از آن حساسیت به‌عنوان «گذرنامه بی‌کیفری» خویش استفاده نموده و هیچ‌گاه کیفر نبینند.

با گسترده‌ی ارتباطات جهانی و پیوستگی مسایل بین‌المللی که موجب پیدایش «پدیده جهانی» شدن گردیده است، کلیه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و حقوق بشری تحت تاثیر واقع و دگرگون شده است. نظم، عدالت، صلح و امنیت بین‌المللی و حقوق جنایی نیز در این فرایند واقع و دچار تحولات بزرگی شده است. پس از جنگ دوم جهانی و تحت تاثیر توصیه‌های نهادهای مجمع عمومی ملل متحد، همگرایی و همسانی خاصی میان کشورهای جهان در امور سیاسی، اجتماعی، کیفری و معاضدات قضایی به وقوع پیوست که در حال گسترش است.

بعد از آن‌که ۱۲۰ کشور شرکت کننده در کنفرانس دیپلماتیک تام‌الاختیار ملل متحد در شهر رم ایتالیا بر ایجاد یک محکمه کیفری بین‌المللی توافق کردند، رؤیای دیرین نسل بشر به حقیقت پیوست و دیوان کیفری بین‌المللی با مأموریت تاریخی تاسیس شد که «حرکتی شگرف به سوی تحول و تکامل حقوق بین‌الملل و اجرای عدالت کیفری بین‌المللی است». از آنجایی که دیوان فاقد نیروی نظامی و پلیس است، هم‌کاری و معاضدت قضایی جامعه جهانی عامل تعیین کننده در پیش‌برد اهداف، مأموریت تاریخی و تحقیق و تعقیب دیوان می‌باشد. اساس‌نامه دیوان تعهد عام را در جهت هم‌کاری و معاضدت قضایی دولت‌ها با دیوان بر عهده کشورهای عضو نهاده و از آن‌ها کمال هم‌کاری با دیوان را خواسته است که در این مقاله به هم‌کاری قضایی دولت‌ها با دیوان با تاکید بر کشور افغانستان، پرداخته شده است.

۱. تعریف معاضدت قضایی

معاذت قضایی* عبارت است از شرایطی که دولت مورد تقاضا با درخواست مرجع قضایی بین المللی در ارتباط به موارد ذیل: ابلاغ اوراق قضایی، انجام تحقیقات، جمع آوری ادله، استماع شهود، تعقیب کیفری که در اصطلاح قضایی به آنها «نیابت قضایی» خوانده می شود، جهت مبارزه با بزهکاری و گسترش عدالت، همکاری و موافقت می نمایند. (دیپیم، [بی تا: ۲۶۷] با توجه به پیشرفت های مهمی که در عصر کنونی در زمینه حمل و نقل عمومی در سطح جهان به وجود آمده است - نظیر سرعت و سهولت - یکی از مجاری فرار برای مجرمانی که جرایم سازمان یافته و یا دسته جمعی را مرتکب می شدند، این است که از کشور متبوع خودشان فرار کنند و به کشور دیگر پناهنده شوند تا دستگاه قضایی کشور متبوع دسترسی به آنها نداشته باشند و در نتیجه مورد تعقیب و مجازات قرار نگیرند علاوه بر این «تحول در ماهیت جرایم - نظیر سازمان یافتگی، فراملی شدن و فنی شدن» - باعث شده است معاضدت و همکاری قضایی کشورها در میان خود کشورها و همین طور مساعدت قضایی دول با مراجع قضایی بین المللی، نظیر دادگاه بین المللی کیفری اهمیت چشم گیری پیدا کرده و از آن به عنوان مهم ترین و موثرترین شیوه تعاملات در زمینه مبارزه با بزهکاری و گسترش عدالت در سطح جهان یاد می شود. (نجار زاده، ۱۳۹۵: ۱)

۲. تعهد کشورها به همکاری با دیوان کیفری بین المللی

برای این که دیوان کیفری بین المللی (ICC) بتواند مأموریت تاریخی خویش[□] را به صورت موثر انجام دهد، شرایط اساسی و بینادی معین باید وجود داشته باشد. بدین معنا که علاوه بر تامین بودجه مالی مورد نیاز و کادر انسانی مجرب و متخصص، عامل بسیار تعیین کننده دیگر، همکاری کشورها با دیوان است؛ زیرا دیوان از این جهت که فاقد پلیس یا نیروهای انتظامی شخصی است، با دادگاه های ملی تفاوت دارد. دادگاه های ملی کشورها به دنبال اعلام جرم و صدور کیفر خواست، از قوه قهریه و نیروی انتظامی بر خوردار

* Judicial assistance

[□] Historic mission.

است که در صورت نیاز، به آن‌ها متوسل شده و مجرم یا محکوم را حاضر نموده و مقرراتش را اجرا می‌کند؛ اما دیوان کیفری بین‌المللی، اعلام جرم می‌نماید، کیفر خواست صادر می‌کند، تحقیق انجام می‌دهد و شواهد و مدارک و اسناد نیز جمع‌آوری می‌کند در حالی که فاقد بازوی قوه قهریه و نیروی مسلح است. از این جهت همکاری دولت‌های عضو و غیرعضو نقش تعیین کننده در پیش‌برد اهداف دیوان و انجام مأموریت تاریخی آن خواهد داشت. (Wenqi, Zhu, ۲۰۰۶: ۸۸)

بحث همکاری دولت‌ها به‌عنوان تکلیف اعضای جامعه جهانی با مراجع قضایی بین‌المللی از دیرباز در مجامع بین‌المللی به‌منظور مشارکت در مبارزه علیه بی‌کیفری و پیش‌گیری از جنایات جدید، مطرح بوده است.

پیش از آن‌که دادگاه کیفری بین‌المللی دایمی تاسیس شود، چندین دادگاه کیفری بین‌المللی خاص و موقت نظیر دادگاه «نورمبرگ» و «توکیو» ایجاد گردیده بود که در اساسنامه و دستور هردو دادگاه از دول امضا کننده تقاضا شده بود به‌منظور حاضر ساختن جنایت کاران بزرگ جنگ دوم جهانی با آن دادگاه‌ها همکاری کافی و لازم را داشته باشند: ماده ۳ موافقت‌نامه لندن ۸ اوت ۱۹۴۵ و بند ۳ دستور ۹۶۶۰ دادگاه توکیو. هم‌چنین مواد ۲۸ و ۲۹ اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی «یوگسلاوی» سابق و «رواندا» نیز دولت‌ها را ملزم به همکاری با این دو دادگاه کرده بود*.

در سال ۱۹۸۹ زمانی که دیوان کیفری بین‌المللی تاسیس شد، دو باره بحث نحوه همکاری دولت‌ها با این دیوان مطرح گردید. فصل نهم اساسنامه دیوان، تعهد عامی را در جهت همکاری و معاضدت قضایی دولت‌ها با دیوان مذکور؛ بر عهده دولت‌های عضو نهاده و از آن‌ها کمال همکاری با دیوان را خواسته است. (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۱۸-۱۹) چالش

* مواد ۲۸ و ۲۹ اساس‌نامه آن دو دادگاه: ۱. دولت‌ها مکلف‌اند در انجام تحقیق و تعقیب اشخاصی که به ارتکاب نقض فاحش حقوق بشر در دوستانه بین‌المللی متهم‌اند با این دادگاه همکاری نمایند. ۲. دولت‌ها مکلف‌اند هرگونه درخواست تعاون قضایی یا دستوری را که یکی از شعب دادگاه صادر کرده باشد، بدون تاخیر نا موجه به موقع اجرا گذارند و در جهت شناسایی و یافتن اشخاص، استماع شهادت و تحصیل دلیل، تسلیم اسناد و ... [هم‌کاری لازم را داشته باشند].

اساسی هم‌کاری دولت‌ها با دیوان کیفری بین‌المللی تا هنوز نخست این مسئله است که مرتکبان جرایم بین‌المللی - چه جرایمی که تحت عناوین کلی مجرمانه قرار گرفته است مثل جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی و چه جرایمی که عناوین مشخص گرفته‌اند مثل ژنوساید و تجاوز مسلحانه - از دو ویژگی مهمی برخوردارند:

یکی این‌که آن‌ها معمولاً از موقعیت رسمی و جایگاه سیاسی و حاکمیتی برخوردارند که در امر گرفتاری و تعقیب آن‌ها با اقتدار و حاکمیت* ملی یک کشور مواجه می‌شویم و قوانین بسیاری از کشورها برای سران دولت‌ها مصونیت قضایی قایل شده‌اند. دوم این‌که آن‌ها به حاکمیت یک کشور مستقلاً عضو جامعه جهانی منتسب هستند که هر دولت در مواقع تعارض منافع و حاکمیت ملی با منافع جامعه بین‌المللی، بسیار دشوار خواهد بود که از منافع ملی درگذرد و به منافع جامعه جهانی اولویت داده و احترام قایل شود. اما از سال ۲۰۰۰ به بعد که شورای امنیت سازمان ملل متحد ورود جدی‌تری در این مسئله پیدا کرده و دولت‌ها را به هم‌کاری فراخواند، هم‌کاری دولت‌ها در مقابله با جرایم بین‌المللی از چارچوب سستی خویش که همان هم‌کاری داوطلبانه و یا بر اساس موافقت‌نامه خاص بود، فراتر رفت و در قالب فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد ظهور یافت که ترسیم‌کننده رابطه میان دیوان و شورای امنیت است و از پشتوانه اجرایی جدی و مستحکمی برخوردار است. (دلخوش، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۹)

بر اساس آنچه در دیباچه اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی و ماده ۲۷ آن اساس‌نامه آمده است، مهم‌ترین پیام دیوان کیفری بین‌المللی به جامعه جهانی این بود که از این پس هیچ موانعی نظیر حق حاکمیت دولت‌ها، اصل عدم داخله، سمت رسمی مقامات و دیوار بلند حاکمیت، نمی‌تواند پناهگاه امنی باشد برای طراحان، آمران، عاملان و مرتکبان جرایم علیه بشریت. آن‌ها در هرکجا باشند، در هر موقعیتی سیاسی و نظامی باشند از محاکمه و مجازات رفتار مجرمانه و نقض فاحش حقوق ابتدایی بشری و تجاوز به اخلاق بین‌المللی نمی‌توانند فرار کنند. (موسی‌زاده و امینیان، ۱۳۹۰: ۲۱)

۱.۲. هم‌کاری کشورهای عضو و غیر عضو دیوان

بر خلاف دادگاه‌های یوگوسلاوی سابق و رواندا که از ارکان فرعی شورای امنیت ملل متحد به شمار رفته و تمامی دولت‌ها ملزم به هم‌کاری و معاضدت هستند، دیوان بین‌المللی کیفری ماهیت قراردادی داشته و مبتنی بر رضایت طرفین است. (شیایزری، ۱۳۸۳: ۵۲۴) بر اساس اصول و قوانین عمومی قراردادهای که در کنوانسیون قانون قراردادهای در «ویانا» آمده است، فقط کشورهای عضو، ملزم به هم‌کاری کامل هستند و کشورهای غیرعضو این الزام و تعهد را ندارند.

همان‌طوری که در قراردادهای معاملاتی و تجاری، زمانی یک قرارداد لازم‌الاجرا گردیده و طرفین قرارداد ملزم به اجرای مواد قرارداد می‌گردند که رضایت و طیب نفس هر دو جانب معامله حاصل شده باشد و گرنه آن قرارداد هیچ اثر حقوقی نخواهد داشت. فصل نهم اساس‌نامه دیوان ماده ۸۶ تحت عنوان «تعهد عمومی به هم‌کاری» اختصاص به هم‌کاری و معاضدت قضایی دولت‌ها با دیوان دارد. چنانچه مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو، در انجام تحقیق و تعقیب جنایت‌های مشمول صلاحیت دیوان کمال هم‌کاری را با دیوان به عمل خواهند آورد.» اما با توجه به ماهیت قرار دادی اساس‌نامه و تفاوت‌های عمده تعهدات دولت‌های عضو و غیرعضو و همین‌طور گوناگونی مسئولیت‌های مترتب بر هر دو گروه، ماده ۸۷ اساس‌نامه به تفصیل و تشریح وضعیت تعهدات دول عضو و غیرعضو پرداخته است. (دل‌خوش، پیشین: ۳۰۸) بند ۵ ماده ۸۷ اساس‌نامه، به هم‌کاری دولت‌ها غیرعضو پرداخته است که تصریح می‌دارد: دیوان می‌تواند هریک از دولت‌های غیرعضو را دعوت به مساعدت بر اساس این فصل به موجب توافق‌نامه‌ای ویژه بنماید. اساس‌نامه در مورد هم‌کاری دولت‌های عضو از کلمه «درخواست» و در ارتباط به هم‌کاری دولت‌های غیرعضو، از کلمه «دعوت»^{*} استفاده کرده است که ماهیت اختیاری و داوطلبانه اساس‌نامه را نشان می‌دهد. (Wenqi, Zhu, ۲۰۰۶: ۸۹).

بدین اساس، اساس نامه در تمامی موارد و موضوعاتی که نیازمند همکاری و معاضدت بین‌المللی است، بین کشورهای عضو دیوان که اساس نامه را امضا کرده‌اند و کشورهای غیرعضو که اساسنامه آن را امضا نکرده‌اند، تمایز قایل شده است:

دولت‌های عضو دیوان الزاما موظف به همکاری‌اند (هم‌کاری عمودی و تعهد اولیه) در حالی که دولت‌های غیرعضو، ابتدائاً فاقد تعهد و الزام اولیه در قبال دیوان هستند و آن‌ها این الزام و اجبار را ندارند. فقط در یک صورت این تمایز برداشته می‌شود و تمامی دولت‌های عضو و غیرعضو به صورت یکسان ملزم به همکاری و معاضدت با دیوان هستند و آن زمانی است که شورای امنیت ملل متحد وضعیتی را به دیوان ارجاع دهد و از جامعه جهانی خواسته باشد که با دیوان همکاری و معاضدت قضایی نمایند. در این صورت همه دولت‌های جهان، ملزم به همکاری قضایی با دیوان هستند. (موسی‌زاده و امینیان، پیشین: ۱۳۰-۱۳۲) آنگاه رضایت دولت محل وقوع جنایت، دولت متبوعه متهم و یا دولت آسیب دیده مطرح نخواهد بود. بر اساس اصل صلاحیت تکمیلی، شورای امنیت در صورتی اقدام به ارجاع یک وضعیت می‌نماید که دادگاه کیفری ملی یک کشور مایل به محاکمه نباشد یا قدرت اجرایی کافی برای محاکمه نداشته باشد یا این که اقدام به محاکمه تشریفاتی و صوری به منظور تبرئه متهم نماید. ارجاع وضعیت، نه ارجاع یک پرونده که شورای امنیت، حق ارجاع پرونده را ندارد و منظور از «وضعیت»، حالتی است که یک یا چند جنایت ارتکاب یافته است که از نظر شورا، صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخته یا با تهدید مواجه کرده باشد. (رهگشا، ۱۳۹۳: ۵۶)

بنابراین، اساس همکاری دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) با دولت‌ها بر معیار تمایز و تفکیک میان دولت‌های عضو و غیرعضو است. دولت‌های عضو ملزم به رعایت دستورات دیوان کیفری در اجرای مفاد اساس نامه‌اند و در صورت عدم همکاری دولت‌های عضو با دیوان، طبق بند (۷) ماده ۸۷ اساس نامه، دیوان می‌تواند پرونده کشور خاطی را به «مجمع دولت‌های عضو» ارجاع دهد و اگر چنانچه موضوع را شورای امنیت سازمان ملل متحد به دیوان ارجاع داده باشد، دیوان آن را به شورای امنیت ملل متحد ارجاع داده و عدم هم

کاری کشور یا کشورهای خاطی را اعلام می‌نماید که در هردو حالت، آثار سوء سیاسی و غیرسیاسی زیادی در پی خواهد داشت. (صادقی، ۱۳۸۳: ۲۵۵)

بر اساس بند ب ماده ۱۳ اساس‌نامه و فصل هفتم منشور ملل متحد، شورای امنیت ملل متحد در مواردی می‌تواند اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جنایات مذکور در ماده (۵) اساس‌نامه را حتی در کشورهای که عضو اساس‌نامه دیوان هم نباشند، تایید نموده و وضعیت یک کشور را به دیوان ارجاع دهد و آن زمانی است که وضعیت به‌وجود آمده باشد که در آن یک یا چند جنایات چهارگانه تحت صلاحیت دیوان در یک سرزمین ارتکاب یافته باشد. (همان، ۲۴۹)

بر همین اساس بود که شورای امنیت ملل متحد در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۵م وضعیت دارفور سودان و صدور قرار جلب آقای عمر البشیر (رییس جمهور وقت سودان) و وضعیت کشور لیبی در ۲۶ فوریه ۲۰۱۱ را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داد که نشان گر این مطلب است که دولت‌های غیرعضو اساس‌نامه نیز در مواردی که صلح و امنیت جهانی، با خطر مواجه باشد، قابل تعقیب و پیگرد قرار می‌گیرند و این عدم عضویت آن‌ها حصار و پناهگاه نیست برای مرتکبان جرایم بین‌المللی. (امیر فرج، ۲۰۰۹: ۲۷)

۳. انواع معاضدت قضایی دول‌ها با دیوان

۱.۳. درخواست دست‌گیری و تحویل متهم به دیوان

اگر یک دولتی درخواست «استرداد» و انتقال یک متهم یا مجرم را داشته باشد، اگر این درخواست از ناحیه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) صورت گرفته باشد، درخواست تحویل متهم خوانده می‌شود. (ماده ۱۰۲ اساس‌نامه-استفاده از واژه‌ها) ماده ۸۹ اساس‌نامه به «تحويل اشخاص به دیوان» اختصاص دارد. مهم‌ترین معاضدت و همکاری دول‌ها با دیوان در فصل نهم و دهم (مواد ۸۶ و ۱۰۳) اساس‌نامه مطرح شده است. دیوان در مورد دست‌گیری و تحويل متهم به دیوان، به علت اهمیت بسیار بالای این قضیه که در حقیقت فلسفه وجودی دیوان را تشکیل می‌دهد- دیباچه و ماده (۱) اساس‌نامه دیوان- بسیار با جدیت وارد شده است و هرگونه ممانعت و عدم پذیرش درخواست همکاری با دیوان

از ناحیه دولت یا دولت‌های عضو مورد تقاضا را تحت هر عنوانی نپذیرفته است (اردبیلی، بی‌تا: ۲۹) و خواستار تحویل یا بازداشت موقت فوری متهم یا مجرم به دیوان شده است. چنانچه مقرر می‌دارد: «دیباچه: مصصم به این‌که به بلا مجازات ماندن مرتکبین این جنایت‌ها پایان داده و هر دولتی وظیفه دارد صلاحیت کیفری خویش را بر مرتکبان جنایات بین‌المللی اعمال نمایند. ماده (۱): دیوان دارای قدرت اعمال صلاحیت خود بر اشخاصی هست که شدیدترین جنایت‌های مورد دغدغه بین‌المللی را مرتکب شده اند.» (بند (۱) ماده ۵۹ اساس‌نامه)

بر اساس بند (۳) ماده ۵۹، شخص دست‌گیر شده می‌تواند آزادی موقتش را تا زمان تحویل، از مرجع صالح قضایی درخواست کند. دیوان به منظور رفع نگرانی حاکمیتی دولت‌ها و جلوگیری از تضعیف ساختار همکاری دیوان با دولت‌ها، بعضی موارد از درخواست تحویل یا بازداشت فوری‌اش صرف نظر کرده و راهکار موارد استثنایی در تحویل اشخاص به دیوان را پیش‌بینی نموده است که در صورتی که درخواست تحویل متهم به دیوان مورد اعتراض متهم مبنی بر این‌که اتهام ادعا شده شامل قاعده «منع محاکمه مجدد» است، واقع شود و همین‌طور اگر چنانچه شخص مورد درخواست، در همان سرزمین مورد درخواست، در حال تحمل کیفر به خاطر ارتکاب جرمی غیر از جرم درخواست شده باشد، تحویل آن شخص به دیوان تا زمانی که بررسی‌ها انجام نشده و نتیجه نهایی اعلام نشود، به تأخیر و تعویق می‌افتد. (دلخوش، پیشین: ۳۶۰-۳۶۳)

زمانی که متهم مزبور به دیوان تحویل شد، شعبه مقدماتی دیوان با تحقیقات و بررسی‌های که انجام می‌دهد باید به این اطمینان برسد که شخص مذکور جنایات ادعا شده و مشمول صلاحیت دیوان را مرتکب شده است. (بند ۱ ماده ۶۰ اساس‌نامه) این اطمینان را شعبه مقدماتی دیوان توسط تشکیل جلسه‌ای که پس از تسلیم شخص به دیوان و پس از ظرف مدت زمان معقول با حضور دادستان، متهم و وکیل متهم تشکیل خواهد داد، حاصل خواهد کرد. (بند ۱ ماده ۶۱)

۲.۳. جمع‌آوری ادله و مدارک

نوع دیگری از هم‌کاری و معاضدت قضایی دولت‌ها با دیوان کیفری بین‌المللی، جمع‌آوری ادله و مدارک است که در ماده ۹۳ اساسنامه تحت عنوان «شکل‌های دیگر هم‌کاری» آمده است. مهم‌ترین شکل‌های دیگر هم‌کاری عبارتست از: جمع‌آوری ادله و مدارک، انجام تحقیقات از اشخاص و معاینه محل، توقیف اموال، انتقال پرونده‌ها، ضبط آلات جرم، مصادره اموال مرتبط با جرم، حمایت از قربانیان و شهود، اعلام هویت و موقعیت مکانی اشخاص یا موقعیت اشیا و...

۳.۳. تعیین و اجرای مجازات

سومین مورد هم‌کاری و مساعدت قضایی دولت‌ها با دیوان در اجرا و اعمال مجازات بر محکومان قطعی است. بر خلاف اساسنامه محاکم بین‌المللی گذشته نظیر محکمه نورنبرگ و یوگوسلاوی سابق که مقوله مجازات مورد توجه خاص قرار نگرفته بود، در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی توجه خاصی به آن شده و مجازات تعیین شده، شفاف‌تر بیان شده و نوع مجازات (حبس) و کمیت آن نیز مشخص شده است. ماده ۷۶ اساسنامه به تعیین مجازات محکومان پرداخته است. شعبه بدوی دیوان، مجازات مناسبی که بر محکوم علیه تحمیل می‌شود را تعیین می‌کند و ماده ۷۷ اساسنامه، اجرای مجازات و این که چه مجازاتی قابل اعمال است را بحث نموده است. بند ۱ ماده ۷۷ از مجازات حبس معین (حداکثر سی سال) و حبس ابد برای اشخاصی که جنایات مندرج در ماده ۵ اساسنامه (جنایات ژنوساید (نسل‌کشی)، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایات تجاوز) را مرتکب شده‌اند، یاد کرده است.

دولت‌های عضو اساسنامه در اجرای مجازات حبس محکومان دیوان، هیچ تعهدی ندارند و دیوان نمی‌تواند آن‌ها را ملزم سازد و تعیین نماید که فلان کشور باید محکومان دیوان را جهت اجرای مجازات حبس شان بپذیرند مگر این که تعدادی از کشورها به صورت داوطلبانه خودشان تمایل خود را مبنی بر اجرای مجازات زندان و حبس محکومان دیوان اعلام داشته باشند. (بند ۱ ماده ۱۰۳ اساسنامه) فقط یک مورد استثنا وجود دارد و آن کشور میزبان دیوان؛ یعنی کشور هلند است که طبق بند ۱ ماده ۳، به عنوان مقر دیوان تعیین

شده است و باید متعهد به اجرای مجازات حبس محکومان دیوان باشد اما بقیه دولت‌ها اختیاری است. (صادقی، ۱۳۸۳: ۲۵۹)

۴. جهات شروع به رسیدگی قضایی در دیوان

طبق ماده ۱۳ اساس‌نامه دیوان، جهات شروع به رسیدگی قضایی (تعقیب عدلی) در دیوان سه مورد است:

الف. یک دولت عضو، وضعیتی که در آن یک یا چند جنایت ارتکاب یافته است را به دادستان دیوان ارجاع نماید

ب. شورای امنیت ملل متحد به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد، وضعیتی را که جنایات در آن ارتکاب یافته است، به دادستان دیوان ارجاع دهد.

ج. دادستان شخصا به موجب ماده ۱۵ اساس‌نامه، وضعیتی را ملاحظه نموده یا دریافت دارد که جنایت یا جنایات فجیع و گسترده بشری و بین‌المللی ارتکاب یافته باشد.

بر خلاف دادگاه یوگوسلاوی سابق و رواندا که دارای صلاحیت موازی و تقدم آن‌ها با صلاحیت محاکم ملی بود، طبق فراز دهم دیباچه و ماده ۱ اساس‌نامه، شروع تعقیب عدلی دیوان، بر اساس اصل صلاحیت تکمیلی است؛ بدین معنا که اگر یک پرونده‌ای که تحت صلاحیت یک دولت است، رسیدگی قضایی یا تعقیب عدلی شروع شده و در حال جاری باشد و یا قبلاً انجام شده باشد، در این صورت دیوان از ورود به رسیدگی به آن پرونده خودداری می‌نماید مگر این‌که دلایل و مستنداتی وجود داشته باشد که دولت مزبور نسبت به بررسی، محاکمه و تحقیقات آن پرونده تمایل یا توانایی کافی را نداشته باشد در نتیجه در کیفیت محاکمه یا تحقیقات اشکالات جدی وجود داشته باشد. (شیایزی، پیشین: ۵۲۳)

یکی از وظایف مهم دادستان (سارنوال) دیوان این است که تحقیقات کاملی را از متهمان و مظنونان به ارتکاب جنایات بین‌المللی انجام دهد که لازمه این تحقیقات، دسترسی به متهمان است. از این‌رو، دادستان می‌تواند از شعبه مقدماتی دیوان تقاضای صدور قرار بازداشت موقت یا احضاریه متهمان را بنماید. (صابر، ۱۳۸۸: ۱۳۱)

ماده ۹۰ اساس نامه، «درخواست‌های موازی» دولت‌ها و دیوان را بیان می‌دارد. اگر شخص واحد بر مبنای جنایت واحد، مورد درخواست دیوان و یکی از دولت‌ها قرار بگیرد، در این صورت میان دولت‌های عضو دیوان و دولت‌های غیرعضو تفاوت قایل شده است؛ اگر این درخواست از طرف دولت‌های عضو دیوان باشد، دولت مورد درخواست، با رعایت شرایط بند الف و ب ماده ۹۰، باید اولویت را به دیوان داده و شخص مذکور را برای رسیدگی به دیوان تسلیم کند. (بند ۲ ماده ۹۰) ولی اگر این درخواست از ناحیه دولت‌های غیرعضو باشد، دوصورت پیدا می‌کند: الف. این که دولت مورد درخواست، مقید به یک تعهد بین‌المللی دیگری- نظیر قرارداد استرداد مجرمان با یک کشور دیگر- نباشد، در این صورت نیز اولویت با دیوان است و شخص مورد نظر را باید به دیوان تحویل دهد اما اگر دولت مورد درخواست موازی، متعهد به استرداد شخص مورد نظر با یک دولت غیرعضو باشد، در این صورت، دولت مورد درخواست موازی، در تحویل شخص مذکور، منخیر است که تقاضای دیوان را ترجیح می‌دهد و آن را به دیوان تحویل می‌دهد یا تقاضای دولت غیرعضو را اولویت داده و آن را به دولت غیرعضو تحویل می‌دهد. (بند ۶ ماده ۹۰) به عنوان نمونه، کشور هلند که قرارداد استرداد مجرمان-یک تعهد بین‌المللی دیگر- با دولت آمریکا (دولت غیر عضو اساس نامه)، دارد، اگر تقاضای دیوان و دولت آمریکا را (به صورت موازی) دریافت کند، درخواست آمریکا را اولویت داده و متهم را به آمریکا تحویل می‌دهد نه به دیوان. (صادقی، پیشین: ۲۵۷)

۵. موارد استثنا از هم‌کاری با دیوان

ماده ۸۶ اساس نامه، صریحاً از کشورهای عضو دیوان خواستار هم‌کاری قضایی (تکلیف عمومی) در تحقیقات و جمع‌آوری ادله و مدارک شده است و به موجب بند ۱ ماده ۹۳، دولت‌ها موظفند تقاضای قضایی و حقوقی دیوان را اجابت نمایند اما این درخواست و اجابت مطلق نبوده و در سه مورد قابل رد و عدم پذیرش است. بدین معنا که دولت‌ها می‌توانند در سه مورد ذیل، درخواست هم‌کاری قضایی دیوان را بر اساس مصلحت‌ها و مفسده‌های ملحوظ ملی و حاکمیتی شان اجابت ننموده و نپذیرند و دیوان با احترام به این عدم پذیرش دولت‌ها، آن را به رسمیت شناخته و پذیرفته است:

الف. به موجب بند ۳ ماده ۹۳، مورد نخست از موارد استثنایی جای هست که این هم کاری (همکاری خاص) از نظر دولت مورد تقاضا، بر اساس یک اصل حقوقی مسلم، اساسی و عام ممنوع و غیرقابل اجابت باشد. دولت مزبور ابتدا باید در این ارتباط وارد رایزنی و مشوره با دیوان گردد و در صورتی که رایزنی به نتیجه نرسیده و با بن بست مواجه شود، دیوان درخواست خودش را اصلاح کرده و نظر دولت مورد تقاضا را محترم می شمارد. (اردبیلی، پیشین: ۲۹)

ب. یکی از مسایلی که دولت ها نسبت به آن بسیار حساسیت نشان می دهند، امنیت ملی شان است. هردولتی اگره دارد که اطلاعات مرتبط با امنیت ملی کشور خود را در اختیار یک دادگاه بین المللی قرار دهند. اساس نامه دیوان با درک و توجه به این مهم، مقرراتی متعددی را در مورد جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه ای که امنیت ملی یک کشور را به مخاطره می اندازد، در اساس نامه اش آورده است: به موجب جز (ه) و (و) بند ۳ ماده ۵۴، دادستان باید موافقت نماید که اسناد و اطلاعاتی که تحت شرایط محرمانه ماندن حاصل شده است، افشا نکند و همین طور «تدابیری ضروری» را جهت تضمین محرمانه ماندن اطلاعات محرمانه و امنیتی درخواست یا اتخاذ نماید. جز (ج) از بند ۳ ماده ۵۷ اساس نامه، شعبه بدوی را موظف ساخته است تا نسبت به محافظت لازم و ضروری از اطلاعاتی که مربوط به امنیت ملی دولت ها می شود، اقدامات لازم و کافی انجام دهد. ماده ۷۲ اساس نامه تحت عنوان «محافظت از اطلاعات محرمانه ملی» نیز تأکید روی همان مطلب فوق داشته است و سرانجام بند ۴ ماده ۹۳ و بند ۵ ماده ۹۹، سنگ تمام گذاشته و حرف آخر را می زنند: دولت های عضو می توانند تقاضای دیوان مبنی بر ارایه اسناد و افشای مدارکی که مربوط به امنیت ملی دولت مورد تقاضا می شود را بعضاً یا کلاً نپذیرفته و از آن امتناع ورزند. (شیایزی، پیشین: ۵۲۵) چنانچه بند ۴ ماده ۹۳ اساس نامه مقرر داشته است: «مطابق ماده ۷۲، یک دولت عضو فقط در صورتی می تواند درخواست همکاری دیوان را بعضاً یا کلاً رد نمایند که درخواست در مورد ارائه هر سند یا افشای هر دلیلی باشد که مرتبط با امنیت ملی آن دولت باشد.»

ج. طبق بند (ل) ماده ۹۳ اساس نامه دیوان، مورد سوم از موارد استثنا از هم‌کاری جای است که «رد درخواست هم‌کاری خاصی که در فهرست مندرج در بند ۱ ماده ۹۳ مقرر نشده و به موجب قانون دولت مورد تقاضا منع نشده باشد.» (اردبیلی، پیشین: ۲۹)

۶. معاضدت قضایی دولت افغانستان با دیوان

موضوع هم‌کاری دولت جمهوری اسلامی افغانستان با دیوان، فرع بر الحاق این کشور به دیوان کیفری بین‌المللی است. الحاق جمهوری اسلامی افغانستان به اساس نامه محکمه جزایی بین‌المللی (اساس نامه رم) در زمان دولت انتقالی آقای حامد کرزی (۱۳۸۱ش) مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۳ش، در مجلس عالی وزیران تصویب گردید. در تاریخ ۹ دلو ۱۳۸۱ش، آقای کرزی فرمان رسمی صادر نموده و الحاق رسمی دولت افغانستان را به محکمه جزایی بین‌المللی تایید و منظور داشتند. (حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان- فرمان شماره ۱۹۷) این فرمان در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۲ش، از سوی ریاست جمهوری اسلامی افغانستان آقای اشرف غنی تایید و برای نشر در جریده رسمی منظور گردیده است و سرانجام، در تاریخ ۱۳۸۲/۲/۱۱ش (۳۱ مارچ ۲۰۰۳م)، دولت اسلامی افغانستان رسماً به دادگاه جزایی بین‌المللی پیوست.

بر اساس همین پیوست دولت جمهوری اسلامی افغانستان بود که در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۲۹ لوی سارنوالی (دادستان کل) محکمه جزایی بین‌المللی بر اساس گزارشاتی که مبنی بر وقوع جنایات جنگی و نقض جدی حقوق بشر در جریان جنگ‌های دولت افغانستان و ناتوانی یک طرف و گروه طالبان از طرف دیگر به وقوع پیوسته بود، سند کامل دادخواست خویش را منتشر کرد. بر اساس این سند، شعبه مقدماتی دیوان باید در زمینه جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت ارتکاب یافته در قلمرو افغانستان، تحقیقاتش را آغاز نماید.

لازم به تذکر است که چون صلاحیت محکمه جزایی بین‌المللی صلاحیت تکمیلی است، این محکمه زمانی دارای صلاحیت در افغانستان می‌شود که حکومت افغانستان نتواند اراده و توانایی خویش برای رسیدگی ملی به این جرایم را ثابت کند. صلاحیت تکمیلی دیوان که در پایان مقدمه (...دیوان، مکمل محاکم کیفری ملی خواهد بود) و ماده

یک اساس نامه (...و مکمل صلاحیت‌های کیفری ملی خواهد بود...) بحث شده است و به علت عدم توانایی دیوان در رسیدگی به پرونده‌های زیاد ارجاعی و احترام به حاکمیت دولت‌ها، به عنوان اساس قابلیت پذیرش دعوا مطرح گردیده است، بدین معناست که در موارد جنایات در صلاحیت دیوان، اولویت رسیدگی با محاکم ملی است ولی اگر چنان چه دیوان احراز نماید که محاکم ملی، «توان» شروع به رسیدگی یا «تمایلی» نسبت به این امر ندارند، دیوان می‌تواند صلاحیتش را اعمال نموده و شروع به رسیدگی کند. (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۲۹۹-۲۹۷)

نتیجه

برایند تحقیق حاضر نشان‌گر آن است که منافع تمام کشورهای جهان در همکاری و مساعدت و معاضدت با همدیگر و با دیوان (محکمه) کیفری بین‌المللی است. تشکیل یک مرجع قضایی بین‌المللی و بی‌طرف که موانع و حصارهای حاکمیتی و مصونیت‌ها را برداشته و هیچ پناه‌گاه امنی برای جنایت‌کاران باقی نگذارد، لازم و از نیازهای مبرم امروز جامعه جهانی است که با تاسیس دیوان (محکمه) کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۰۲م، گام نخست آن برداشته شده و نور امید در دل عدالت‌خواهان روشن شده است؛ اما گام دوم آن همکاری همه جانبه به‌ویژه همکاری قضایی همه کشورهای جهان با این محکمه است که هرروز بیش تر از دیروز در حال گسترش است و به جز از چند کشور محدود، اکثر کشورها بدان ملحق شده‌اند یا در حال الحاق هستند. افغانستان یکی از آن کشورهاست که در سال ۲۰۰۳م، بدان ملحق شده و متعهد به همکاری همه جانبه با دیوان است.

فهرست منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، «هم‌کاری دولت‌ها با دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۴۵، صص ۱۱-۴۵. ۱۳۸۳
۲. افتخاری، رضا، مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل عمومی، مشهد، مرنديز، ۱۳۸۸.
۳. امینیان، اکبر، موسی‌زاده، جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۰.
۴. دل‌خوش، علیرضا، مقابله با جرایم بین‌المللی-تعهد دولت‌ها به هم‌کاری، تهران، شهردانش، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۵. رهگشا، امیرحسین، رابطه حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی با شورای امنیت ملل متحد، تهران، مجد، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۶. شیاپزری، کریانگ ساک کیتی، حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه یوسفیان، بهنام و اسماعیلی محمد، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۷. صابر، محمود، آیین دادرسی کیفری بین‌المللی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۸. طهماسبی، جواد، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵.
۹. عباسی، محمود، استرداد مجرمین، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۰. فروغی، فضل‌الله و جودکی، بهزاد، «راه حل‌های تعارض صلاحیت‌ها در قلمرو حقوق جزای بین‌الملل»، مجله حقوق بین‌الملل، شماره ۵۷، زمستان ۱۳۹۶.
۱۱. محمدنسل، غلامرضا، مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۲. میرمحمد صادقی، حسین، دادگاه کیفری بین‌المللی، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۳.
۱۳. ناصرزاده، بابک، دیوان کیفری بین‌المللی، تهران، نشر بهنامی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۴. نجارزاده، زینب و دیگران، معاضدت قضایی بین‌المللی در مبارزه با بزهکاری، سومین همایش ملی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میبد، بهمن ماه ۱۳۹۵.
۱۵. یوسف، امیر فرج، المحكمة الجنائية الدولية و مشكلة دارفور، الاسكندرية، ۲۰۰۹.
۱۶. Wenqi, Zhu, on co-operation by states not party to the International Criminal Court international review of the Red Cross, Volume ۸۸ Number ۸۶۱, March ۲۰۰۶.